

عوامل انهدام کتاب وراه‌های مبارزه با آن

سید مهدی رجائی

و بقی أثره، ولهذا أثر الجلّة من المحقّقين، و أهل العبر و الفكرة من الديّانين، وضع الكتب والاشتغال بها، و اجتهاد النفس في تخليدها و توريثها، على صوم النهار و قيام الليل، و لو لامارست لنا الأوائل في كتبها، و خلّدت من عجائب حكمتها، و دوّنت من أنواع سيرها حتّى شاهدنا بها ماغاب عنا، و فتحنا بها كلّ مستغلق كان علينا، فجمعنا الى قليلنا كثيرهم، و أدركنا ما لم تكن ندرکه آلا بهم، لقد خسر حظنا من الحكمة، و صعبت سبلنا الى المعرفة، ولو ألجئنا الى قدر قوتنا، و مبلغ خواطرنا، و منتهى تجاربنا لما أدركته حواسنا، و شاهدته نفوسنا، لقد قلّت المعرفة، و قصرت الهمة، و انتقصت المنّة، و عاد الرأي عقيماً، و الخاطر سقيماً، و لكلّ الحدّ، و تبدّل العقل، فإنّ الكتاب نعم الذخر و العقد و نعم الجليس و العقدة، و نعم النشرة و النزهة، و نعم المشتغل و الحرقة، و نعم الأنيس في ساعة الوحدة، و نعم المعرفة ببلاد الغربية، و نعم القرين و الرحيل، و نعم الوزير و النزيل. و الكتاب و عاء ملئ علماء، و ظرف حشي طرفاً و اناءً شحن مزاحاً و جدّاً، ان شئت كان أبين من سجان و ايل، و ان شئت كان أعنى من ناقل، و ان شئت ضحكت من نوادره، و ان شئت أشجّتك مواعظه، و من لك بواعظ ملهيّ، و بزاجر مغريّ، و بناسك فاتك، و بناطق أخرس، و بمونس لاينام إلا بنومك، و لاينطق إلا بما تهوي، آمن من في الأرض، و أكرم للسّر من صاحب السّر، و أضبط لحفظ الودیعة من أرباب الودیعة.

این مقاله مشتمل بر یک مقدمه و سه بخش است. مقدمه درباره ارزش و مقام کتاب و سه بخش که عبارتند از: بخش اول، راجع به اثبات موضوع مقاله و آن نابودی و انهدام شدن بخشی از کتاب‌ها در طول قرن‌ها است. بخش دوم در مورد علل نابودی و منهدم شدن کتاب‌ها است. بخش سوم درباره عوامل بازدارنده از انهدام کتاب‌ها می‌باشد.

مرحوم کلینی - قدس سره - در کتاب شریف اصول کافی به سند معتبر از امام صادق (ع) روایت کرده است:

«احتفظوا بکتابکم فانکم سوف تحتاجون اليها»؛ در حفظ و حراست از کتاب‌هایتان، سعی و کوشش نمایید. به درستی که در آینده محتاج این کتاب‌ها خواهید گشت.

مقدمه در بیان ارزش کتاب

راجع به ارزش کتاب و کتابداری دانشمندان اهل ادب و هنر کلماتی بسیار زیبا و جالب دارند، و در این جا به گفتار دانشمند فرزانه و فقیه و ارسته و ادیب توانا مرحوم ابن ادریس حلی در دیباچه کتاب شریف خود، السرائر، اکتفا می‌کنیم. ایشان چنین می‌نگارد:

قال بعض العلماء مادحاً للعلم، و تخليده في الكتب: و الكتاب قد يفضّل صاحبه، و يقدّم مؤلّفه، و يرجح قلمه على لسانه، و عقله على بيانه بأمر: منها: أنّ الكتاب يقرأ بكلّ مكان، و يظهر مافيه على كلّ لسان، ثمّ يوجد مع كلّ زمان على تفاوت ما بين الأعصار و تباعد ما بين الأمصار، و ذلك أمر يستحيل في واضع الكتاب، و المنازع بالمسألة و الجواب، و مناقلة اللسان و هدايته لايجوزان مجلس صاحبه، و مبلغ صوته، و قد يذهب الحكيم و تبقى كتبه، و يفنى العاقل

کتابخانه‌شان باقی نمانده است. بعضی از ارباب تراجم، فهرستی برای کتابخانه‌های شخصی این بزرگان ذکر کرده‌اند که در زمان حاضر هیچ‌گونه خبری از این کتابخانه‌ها و محتوای آنها در دسترس نمی‌باشد. برای نمونه چند نفر از مشاهیر شیعه را که دارای تألیفات فراوانی بوده‌اند و در زمان حاضر جز معدودی از آثار آنها، بقیه آثارشان مفقود شده و از بین رفته است، ذیلاً ذکر می‌نماییم:

۱. شیخ صدوق

مرحوم شیخ طوسی در کتاب فهرست می‌نویسد:

«له نحو من ثلاثمائة مصنف، و فهرست کتبه معروف^۲؛ برای شیخ صدوق حدود سیصد تألیف است و فهرست کتاب‌های وی معروف می‌باشد.» سپس بخشی از آثار وی را ذکر می‌کند. شیخ نجاشی نیز در کتاب فهرست خود در چهار صفحه، تمام عناوین آثار وی را ذکر کرده است^۳، که متأسفانه از این آثار فراوان، در زمان حاضر، در حدود بیست اثر آن در دست می‌باشد و از بقیه آثار وی هیچ‌گونه خبری نداریم.

آنچه قابل توجه است آن که شیخ طوسی و نجاشی، هر دو بزرگوار، در فهرست خود یکی از آثار شیخ صدوق را کتاب مدینه‌العلم ذکر کرده‌اند که نسخه‌ای از آن در دسترس آنها بوده است، مرحوم شیخ طوسی در فهرست فرموده: «و کتاب مدینه‌العلم اکبر من من لا یحضره الفقیه». و این کتاب شریف تا زمان والد مرحوم شیخ بهائی، مرحوم شیخ حسین عاملی (متوفای ۹۴۸ هجری) موجود بوده، و کتب معتمده و اصول معتبره در عصر ایشان پنج کتاب بوده که عباتند از: کتاب شریف کافی تألیف مرحوم کلینی، کتاب تهذیب و استبصار تألیف شیخ طوسی، مدینه‌العلم و من لا یحضره الفقیه تألیف شیخ صدوق. مرحوم شیخ حسین عاملی در کتاب وصول‌الأخبار الی اصول الأخبار چنین می‌فرماید:

و أصولنا الخمسة: الکافی و مدینه‌العلم، و کتاب من لا یحضره الفقیه و التهذیب و الاستبصار قد علی اکثر الأحادیث المروية عن النبی ﷺ و الأئمة المعصومین علیهم السلام عندنا و أهمها بحيث لا یشدّ عنها الا النزر القلیل، و جمعت من الأحادیث الصحیحة و غیرها ممّا قد اشتمل علی الأحکام العلمیة و العملیة و السنن و الآداب و المواعظ و الأدعیة و التفسیر و مکارم الاخلاق مالا یکاد یحصی و لا یوجد فی سواها.

و قال ذوالرمة لعیسی بن عمر: أ کتب شعری، فالکتاب أعجب إلي من الحفظ، ان الأعرابي ينسی الکلمة و قد سهرت فی طلبها لیلۃ، فیضع فی موضعها کلمة فی وزنها، ثم ینشده الناس، و الکتاب لا ینسی و لا یندل کلاماً بکلام. قال: و الکتاب هو الجلیس الذی لا یطربک الصدیق الذی لا ینزیک، و الرفیق الذی لا یملک، و المستمیع الذی لا ینزیدک، و الجار الذی لا ینتظنک، و الصاحب الذی لا یرید استخراج ما عندک بالملق و لا بالمکر، و لا یخدعک بالنفاق، و لا یحتال لک بالکذب، و الکتاب هو الذی ان نظرت فیہ أطال امتاعک، و شحذ طباعک، و بسط لسانک، و جود بیانک، و منحک تعظیم العوام، و صداقة الملوک، و عرفت به فی شهر مالا تعرفه من أفواه الرجال فی دهر، و الکتاب هو الذی یطیعک باللیل طاعته بالنهار، و یطیعک فی السفر طاعته فی الحضر، لا یقبل بنوم، و لا یعتبر به کلال السهر.

قال: قال أبو عبیدة: قال المهلب لبنيه فی وصیته: یا بنی لا تقوموا فی الأسواق الآ علی زراد أو وراق.

قال: و حدیثی صدیق لی قال: قرأت علی شیخ شامی فیہ مآثر غطفان، فقال لی: ذهب المکارم الآ من کتب.

قال: و سمعت الحسن اللؤلؤی یقول: غربت أربعین سنة ما قلت و لا بت الآ و الکتاب موضوع علی صدري. قال: و الانسان لا یعلم حتی ینکسر سماعه، و لا یعلم و لا یجمع و لا یختلف حتی ینکسر الانفاق علیه من ماله الذ عنده من الانفاق من مال عدوه، و من لم ینکسر نفقته التي تخرج فی کتب الذ عنده من انفاق عساک القیان، و المستهترین بالبنان لم ینل فی العلم مبلغاً رضیاً، و لیس ینتفع بانفاقه حتی یؤثر اتخاذ کتب ایثار الأعرابی فرسه باللبن علی عیاله، و حتی یؤمل فی العلم ما یؤمل الأعرابی فی فرسه؛ و لان سخاء النفس بالانفاق علی کتب دلیل علی تعظیم العلم، و تعظیم العلم دلیل علی شرف النفس، و علی السلامة من سکر الآفات.^۱

بخش اول

نابودی بخشی از کتاب‌ها در طول تاریخ

آنچه مسلم است آن که در طول تاریخ، شمار بسیاری از آثار علمای اسلام مفقود شده و از بین رفته است. برای اثبات این مدعا لازم است گذری کوتاه به کتب تراجم و رجال نماییم. با مراجعه به این کتب درمی‌یابیم که این بزرگان آثار زیادی از خود به یادگار گذاشته‌اند که در زمان حاضر متأسفانه در دسترس نمی‌باشند. بعضی از این بزرگان خزانه کتب نفیسی در اختیار داشته‌اند که فعلاً جز نامی از عنوان

۱. ابن ادریس، السرائر، ۱/۴۲-۴۴.

۲. شیخ طوسی، الفهرست، ص ۱۵۷.

۳. نجاشی، الفهرست، ص ۳۸۹.

سپس در مقام بیان این اصول پنجگانه برآمده، و پس از معرفی کتاب شریف کافی فرموده است:

و اما کتاب مدینه العلم و من لایحضره الفقیه، فهما للشیخ الجلیل النبیل اَبی جعفر محمد بن علی بن الحسین بن بابویه القمی رحمته‌الله^۱

مرحوم علامه حلّی و محقق حلّی و شهیدین نیز در آثار خود از این کتاب نقل قول می‌کنند، ولیکن متأسفانه این کتاب شریف در این اعصار مفقود گشته و اصول شیعه در این زمان معروف به چهار اصل معتبر گشته است. مرحوم علامه مجلسی - قدس سره - سعی فراوان در تحصیل این کتاب نمود، ولی به آن دسترسی پیدا نکرد. مؤلف روضات می‌نویسد: «بعد از زمان علامه و شهیدین دیگر هیچ اثری از کتاب مدینه‌العلم دیده و شنیده نشده است.»

۲. شیخ محمد بن مسعود عیاشی

از بزرگان و محدثان جلیل‌القدر شیعه، و دارای تألیفات فراوانی در اکثر علوم اسلامی است. مرحوم شیخ طوسی در کتاب فهرست درباره تألیفات وی می‌فرماید: «له کتب کثیرة تزيد علی ما تئى مصنف، ذکر فهرست کتبه أبو اسحاق الندیم.»^۲ سپس تفصیل عناوین آثار وی را ذکر می‌نماید. نجاشی نیز در کتاب فهرست درباره وی می‌فرماید:

قال أبو عبدالله الحسين بن عبيدالله: سمعت القاضي أبا الحسن علي بن محمد قال لنا أبو جعفر الزاهد: أنفق أبو النضر علي العلم و الحديث تركة أبيه سائرها، و كانت ثلاثمائة ألف دينار، و كانت داره كالمسجد بين ناسخ أو مقابل أو قارئ أو معلق مملوءة من الناس.^۳

سپس در حدود دو صفحه‌ای عناوین آثار وی را ذکر می‌نماید. با این حال، در زمان حاضر هیچ‌یک از آثار قلمی وی و غیر آن در دست نمی‌باشد، مگر کتاب تفسیر وی که به صورت ناقص با حذف اسناد به وسیله مستنسخان تا آخر سورة کهف موجود می‌باشد، و از بقیه آثار وی هیچ خبری در دست نیست.

۳. فقیه نامی شیخ محمد بن احمد بن الجنید

از فقهای برجسته شیعه می‌باشد و نام و آرای وی در کتب فقهیه مذکور است. وی دارای تألیفات فراوانی بوده، و شیخ نجاشی و شیخ طوسی در فهرست، آثار زیادی برای وی ذکر می‌نمایند. از جمله آثار فقهی وی کتاب تهذیب الشیعة لاحکام الشریعة در بیست مجلد، مشتمل بر جمیع کتب فقه بر طریقه فقها می‌باشد. این کتاب ارزشمند یا کتاب دیگر وی به نام الاحمدی للفقہ المحمدی در دست علامه حلّی بوده و در کتب فقهی خود، به ویژه کتاب مختلف الشیعه از یکی از این دو اثر ابن جنید نقل می‌کند، ولی در زمان حاضر هیچ‌گونه خبری از این دو اثر و آثار دیگر وی نمی‌باشد. مرحوم

نجاشی در کتاب فهرست می‌نویسد: از جمله آثار وی کتاب ألفی مسألة فی نحو الفین و خمسمائة ورقة یعنی در حدود دو هزار و پانصد ورق و در مجموع پنج هزار صفحه می‌باشد، و از این اثر گرانها هیچ‌گونه خبری نمی‌باشد.

۴. شیخ مفید (متوفای سنة ۴۱۳ هجری)

از نوایغ علمای شیعه و صاحب نظر در جمیع فنون اسلامی، و دارای تألیفات فراوانی بوده که کتاب‌های وی بیش از دوست عنوان می‌شده است. مرحوم نجاشی در کتاب فهرست در حدود سه صفحه عناوین آثار وی را ذکر می‌نماید، و خوشبختانه بخشی از آثار وی به وسیله کنگره شیخ مفید در قم چاپ و منتشر گردید. ولی متأسفانه بخش مهم آثار وی مفقود شده و هیچ‌گونه خبری از آنها نمی‌باشد.

۵. سید مرتضی علی بن الحسین بن موسی (متوفای سنة

۴۳۶ هجری)

از علمای برجسته شیعه و صاحب نظر در جمیع فنون اسلامی از فقه و کلام و حدیث و تفسیر می‌باشد. وی دارای تألیفات فراوانی بوده، و بعضی از ارباب تراجم آثار قلمی وی را هشتاد اثر نفیس شمرده‌اند. مرحوم سید معروف به ثمانینی بوده، چون از هر چیزی هشتاد آن را داشته است؛ هشتاد اثر داشته و محتوای کتابخانه وی هشتاد هزار نسخه خطی نفیس بوده و هشتاد سال حدوداً عمر کرده است. و مرحوم نجاشی و شیخ طوسی در دو کتاب فهرست خود، آثار فراوانی را با عناوین آنها ذکر نموده‌اند. بیش از پنجاه اثر ایشان به وسیله این جانب تحقیق و نشر گردید؛ ولی متأسفانه از بقیه آثار ارزشمند ایشان در زمان حاضر هیچ‌گونه خبری نمی‌باشد.

۶. سید رضی محمد بن الحسین بن موسی (متوفای سنة

۴۰۶ هجری)

از بزرگان شیعه در علم و ادب، و دارای تألیفات ارزشمند در تفسیر قرآن و ادب بوده و به جز چند اثر گران‌بهای ایشان که فعلاً موجود است، بقیه آثار قلمی این مرد بزرگ مفقود و ناپدید گشته است. آنچه قابل توجه است، تفسیر شریف ایشان است که در زمان حاضر به جز مجلد پنجم آن، بقیه اجزای آن مفقود گردیده، در حالی که تفسیر قرآن ایشان مشتمل بر چندین مجلد بزرگ بوده است.

مرحوم شریف أبو الحسن علوی نسابه در کتاب المجدی درباره این تفسیر گرانها می‌نویسد: «و شاهدت له جزءً مجلداً من تفسیر منسوب الیه فی القرآن ملیح حسن یكون بالقیاس فی کبر تفسیر اَبی

۱. عاملی، حسین، وصول الاخیار، صص ۸۵-۸۶.

۲. شیخ طوسی، الفهرست، ص ۱۳۷.

۳. نجاشی، الفهرست، ص ۳۵۱.

جعفر الطبری أو أكثر؛ چند جزء مجلد از تفسیر منسوب به ایشان را در تفسیر قرآن مجید دیدم، در حالی که بسیار زیبا و خوب نوشته بود، و در حجم به اندازه تفسیر معروف طبری، یا بیشتر از آن بود. تفسیر طبری در سی جزء می باشد و در دوازده مجلد بزرگ چاپ گردیده است. جزء پنجم تفسیر مزبور به نام حقائق التأویل فی مشابه التزیل چاپ شده است.

۷. محدث جلیل القدر، احمد بن محمد بن خالد برقی (متوفای سنه ۲۸۰ هجری)

از محدثان بزرگ شیعه و دارای تألیفات فراوانی بوده است. شیخ نجاشی و شیخ طوسی و ابن ندیم، هر سه بزرگوار عناوین کتاب های وی را در فهرست های خود ذکر کرده اند، و در زمان حاضر از کتاب محاسن وی یازده جزء آن در دست می باشد و از بقیه آثار قلمی وی خبری نمی باشد.

این بود بخشی از آثار این بزرگان شیعه که نابود شده و از بین رفته است. و چنانچه کسی کتاب فهرست ابن ندیم و فهرست شیخ طوسی و نجاشی را یک بار مرور اجمالی نماید، و درباره عناوین آثار قلمی مترجمان مطالعه کند، درمی یابد که قریب به نود درصد این آثار مفقود شده و یا از بین رفته است. به جز ذکر عناوین این آثار، هیچ گونه خبری از آنها در زمان حاضر در دست نمی باشد. همچنین اگر کسی به کتاب ارزشمند ذریعه اثر مرحوم آقابزرگ تهرانی مراجعه کند، و آثار شیعه را که در این کتاب گردآوری شده، ملاحظه نماید، درمی یابد که اکثر این آثار مفقود و یا نابود شده است. برای نمونه مرحوم علامه حلی در کتاب خلاصه الرجال در چندین مورد به کتاب بزرگ خود در رجال به نام کشف المقال فی معرفة الرجال ارجاع می دهد، و در چندین مورد نیز تصریح می نماید که تفصیل این مطلب و آثار را در کتاب کبیر خود آورده ایم، ولی متأسفانه هیچ گونه خبری از این اثر در دست نمی باشد.

مرحوم علامه در کتاب خلاصه الرجال در حدود چهار صفحه، فهرست عناوین آثار قلمی خود را ذکر می نماید. و ملاحظه می کنیم که بخشی از این آثار در زمان حاضر در دست نمی باشد. یکی از آثاری که نام می برد، کتاب مصابیح الأنوار است؛ درباره این کتاب فرموده است: «ذکرنا فيه كل أحاديث علمائنا، وجعلنا كل حديث يتعلق بفن في بابه، ورتبنا كل فن على أبواب ابتدأنا فيها بما روی عن النبي ﷺ ثم بعده ما روی عن علي ﷺ و هكذا الى آخر الأئمة ﷺ».

این خود اثری است بسیار گران بها و ارزشمند، و چنانچه علامه موفق شده که این عمل را به پایان برساند، مسلماً این کتاب در چندین مجلد همچون بحار الأنوار علامه مجلسی خواهد بود، و ابتکاری است نوین در گردآوری جمیع احادیث شیعه، و جادار در این زمان با

پیشرفت صنعت و اختراع کامپیوتر، این ابتکار علامه تحقق یابد. در طول تاریخ اسلام کتابخانه های بزرگی، چه عمومی و چه شخصی، مملو از آثار ارزشمند اسلامی وجود داشته که برخی از آنها دارای کتاب های خطی نفیس و ارزشمند به خط مؤلفان آنها و قلمزنان و خطاطان نامی و زبردست بوده است، و متأسفانه در زمان حاضر حتی یک اثر از آثار آن کتابخانه ها در دست نمی باشد. برای نمونه به چندین مورد اشاره می گردد:

۱. کتابخانه شخصی مرحوم سید مرتضی

مرحوم سید حدود بیست و سه سال مرجعیت و زعامت شیعه را در دست داشت، و مورد توجه عام و خاص و ملوک و خلفای زمان خود بود. وی توانست با ثروت و آفری که در اختیار داشت، بهترین نفایس از کتاب ها را جمع آوری و در خزانه کتابخانه خود ذخیره نماید. مؤلف روضات از ابوالقاسم تنوخی که از استادان شیخ طوسی و صاحب سید مرتضی بوده، نقل نموده است که: کتاب های سید را شماره کردیم، به هشتاد هزار جلد از مصنفات و محفوظات و مقررات او رسید. به گفته ثعالبی بعد از مرگ وی که قسمت عمده آن را به وزرا و رؤسا اهدا کردند، به سی هزار دینار تقویم نمودند.

۲. کتابخانه شخصی شیخ طوسی

این کتابخانه در هجوم اشرار به منزل و محل تدریس ایشان، طعمه حریق و غارت گردید و بخش مهمی از کتاب ها از بین رفت؛ این ماجرا سبب هجرت شیخ از بغداد به نجف گردید، و بعضی از این وقایع در این مقاله بیان شد.

۳. کتابخانه شخصی سید ابن طاووس

کتابخانه ایشان از کتابخانه های بسیار نفیس و ارزشمند و دارای نسخه های خطی منحصر به فرد و همچنین کتاب های والایی به خطوط مؤلفان آنها بوده است. ولی متأسفانه در زمان حاضر، هیچ گونه خبری از این آثار ارزشمند، جز نام معدودی از آنها، باقی نمانده است. سید - قدس سره - در کتاب کشف المحجّه راجع به کتابخانه شخصی خود در فصل صد و چهل و سه به فرزند خود چنین می گوید:

و به درستی که خداوند متعال مهیا نموده است برای تو بر دست من کتاب های فراوانی را در هر فنی از فنون که خواهی. سپس تفصیل موضوعات این کتاب ها را بیان نموده و فرموده:

پس خداوند متعال مهیا نموده است برای تو کتاب هایی در اصول، همچنین کتاب های زیادی در نوبت و امامت و در زهد، و در تواریخ خلفا و ملوک، و همچنین کتاب هایی در

فقه، و در میان آنها چندین کتاب فقهی در نزد من است که از جدم، ورام‌بن ابی فراس، به وسیله ارث مادرم به من رسیده، و در میان آنها کتاب نه‌ایه شیخ طوسی است که پس از قرائت آن نزد استاد خود محمدبن نما اجازه‌ای به خط خود بر جزء اول آن برای من نوشته است. همچنین خداوند متعال مهیا نموده است کتاب‌های بسیار ارزشمند و والایی را در تفسیر قرآن از مفسران گوناگون یا مذاهب مختلفه که هر کدام دارند. همچنین مهیا نموده است چندین مجلد کتاب در دعوات که بیش از شصت مجلد می‌شود. پس در حفظ این کتب دعوات کوشا باش که از ذخایر بسیار ارزشمند و نفیس می‌باشد. همچنین مهیا نموده کتاب‌های ارزشمندی در علم انساب آل ابی طالب، و از جمله آنها کتاب دیوان نسب در سه مجلد است و این کتاب نزد احدی نمی‌باشد. همچنین مهیا نموده است کتب فراوانی در مجامیع و آثار که مشتمل بر فنون علوم مختلفه می‌باشد. همچنین نزد این جانب کتب فراوانی در علم طب از ائمه طاهرین (علیهم‌السلام) و از علمای متبحر می‌باشد. همچنین کتاب‌های فراوانی در علم لغت، و اشعار، و علم کیمیا، و حیل حلال، و طلسمات و عوذ و رقی و رمل، و علم نجوم و غیر آن از علوم دیگر در نزد این جانب می‌باشد. سپس تألیفات خود را مفصلاً ذکر می‌کند.

۴. کتابخانه بزرگ خواجه نصیرالدین طوسی در مراغه

مرحوم خواجه نصیر در سال ۶۵۷ هجری در شهر مراغه رصدخانه بزرگی را تأسیس نمود و در جوار رصدخانه، خانه‌های بسیار وسیعی را فراهم نمود که بخش مهم آن، کتابخانه خواجه بود و در بخش دیگر آن، آلات رصدخانه نگهداری می‌شد. کتابخانه ایشان دارای چندین مخزن کتاب و مملو از بهترین نفایس کتب اسلامی و غیر آن بوده، و این کتاب‌ها را از کتابخانه‌های بغداد و شام و جزیره که در حمله مغول و تاتار غارت شده بود، جمع‌آوری نموده بود. مورخان نوشته‌اند که این کتابخانه بیش از چهارصد هزار مجلد کتاب داشته، و شاگرد مرحوم خواجه مورخ نامی و مشهور، ابن فوطی، مؤلف کتاب الحوادث الجامعه از طرف خواجه، سرپرست و خازن این کتابخانه بوده است. وی توانست در زمان تصدی این کتابخانه، بهترین آثار علمی را از خود به یادگار بگذارد. و مشهورترین اثر ابن فوطی همین کتاب الحوادث الجامعه است؛ که در چندین مجلد چاپ شده است. این کتابخانه ارزشمند پس از وفات مرحوم خواجه با متوقف شدن امر رصدخانه به تدریج از بین رفت، و خبری از آثار موجود در این کتابخانه فعلاً در دست نمی‌باشد.

بخش دوم

علل و عوامل نابود شدن کتاب‌ها

در این باره، جهات و عوامل گوناگونی را با ملاحظه تاریخ و مشاهدات حسی می‌توان معرفی نمود، و در این مقاله بخشی از این عوامل را یادآور می‌شویم:

۱. جنگ‌ها: یکی از علل بسیار مهم در انهدام کتاب‌ها در طول تاریخ، جنگ‌هایی بوده که برای مسلمانان پیش می‌آمده است. متأسفانه در این جنگ‌های نابرابر، دشمن پس از مسلط شدن بر آن منطقه اسلامی، درصدد نابودی و منهدم کردن کتابخانه‌های مسلمانان برمی‌آمد و با سوزاندن آنها یا انداختن در آب و غیر آن، به محو آثار کتابخانه‌ها می‌پرداخت. در این جا برای نمونه چند مورد را ذکر می‌کنیم:

حمله مغول و تاتار به شهر بغداد

در این حمله خدا عالم است که چندین هزار از بهترین نفایس کتب از بین رفت و چه بلای عظیم و جبران ناپذیری بر این آثار وارد شد. مورخان در این مقام قلم فرسایی فراوانی نموده و هر کدام یک بُعد این جنایت را تشریح کرده‌اند. مورخ نامی گوستاولوبون در کتاب تمدن اسلام و عرب، راجع به این جنایت می‌نویسد:

مغول در سال ۶۵۶ هـ / ۱۲۵۸ م بغداد را تسخیر کرده، همه این شهر را با خاک یکسان نمودند. آخرین خلیفه عباسی المستعصم بالله را به دستور هلاکوخان خفه کردند و هر چه در این شهر بود، به غارت بردند و آنچه کتاب‌های نفیس که دوستداران علم و ادب در این شهر گردآورده بودند آتش زده، قسمتی را در دجله ریختند. چنان که قطب‌الدین حنفی می‌نویسد: «به اندازه‌ای کتاب در دجله ریخته شد که در اثر تراکم شدن آنها جبری تشکیل گردید که سواره و پیاده می‌توانستند از روی آن عبور کنند، و آب دجله در اثر سیاهی مرکب این کتاب‌ها سیاه گشت.» سپس می‌نویسد: «آری بغداد پس از این ویرانی، دوباره رونقی گرفت، ولی پس از گذشتن سه قرن، ترک‌ها بر آن مسلط شدند و آن زمان بود که به آخرین درجه انحطاط رسید و برای همیشه کتابخانه‌ها و دانشمندان و ارباب فنون از این شهر ناپدید شدند.^۱

یکی از کتابخانه‌های بسیار مهمی که در این حمله مغول به

۱. به نقل از کتاب تمدن اسلام و عرب، ص ۲۱۴-۲۱۵.

میراث شهاب

ساختمان آن تبدیل به تپه‌های خاکی گردید، و این محل موسوم به «تلال الکتب» گردید.

قلقشندی در کتاب **صبح الأعشى** یکی دیگر از کتابخانه‌های بسیار مهم اسلام را کتابخانه خلفای فاطمیین در مصر نام برده است و می‌نویسد:

الثانية: خزانة الخلفاء الفاطميين بمصر، و كانت من أعظم الخزائن و أكثرهم جمعاً للكتب النفسية من جميع العلوم. و لم تزل على ذلك إلى أن انقرضت دولتهم بموت العاضد آخر خلفائهم، و استيلاء السلطان صلاح الدين يوسف بن أيوب على المملكة بعدهم، فاشترى القاضي الفاضل أكثر كتب هذه الخزانة و وقفها بمدرسته الفاضلية بدرب ملوخيا بالقاهرة، فبقيت فيها إلى أن استولت عليها الأيدي فلم يبق منها إلا القليل.^۳

در جای دیگر از این کتاب راجع به این کتابخانه معظم فاطمیین چنین می‌نویسد:

و كانت من أجل الخزائن و أعظمها شأناً عندهم، و كان فيها من المصاحف الشريفة المكتوبة بالخطوط المنسوبة الفاتحة عدة كثيرة، و من الكتب ما يزيد على مائة ألف مجلد، مشتملة على أنواع العلوم مما يدهش الناظر و يحيره، و ربما اجتمع من المصنف الواحد فيها عشر نسخ فما دونها، و كان فيها من الدروج المكتبة بالخطوط المنسوبة كخط ابن مقلة و ابن التواب و من جرى مجراها.^۴

و مقریزی در کتاب **خطط خود از سبخی** چنین نقل می‌کند:

ذكر عند العزيز بالله كتاب العين للخليل بن أحمد، فأمر خزان دفاثره فأخرجوا من خزانته تيفاً و ثلاثين نسخة من كتاب العين. كما أخرجوا من الخزانة ما ينيف عن عشرين نسخة من تاريخ الطبري. و أخرج من الخزانة مائة نسخة من كتاب الجمهرة لابن دريد.^۵

العزيز بالله یکی از خلفای فاطمیین در مصر بوده است.

مورد سوم: حمله ملوک طوایف به کشور اندلس و انقراض دولت خلفای بنی امیه به دست ایشان بود. بنی امیه پس از انقراض خلافتشان در بلاد اسلامی در اندلس نشو و نما نمودند و چندین سال خلافت آن نواحی را به دست گرفتند و کتابخانه‌های بسیار مجللی را در آن

بغداد از بین رفت، کتابخانه وزیر (ابن علقمی) بود. ایشان وزیر آخرین خلیفه عباسی المستعصم بالله و یکی از دانشمندان اهل علم و ادب بوده است.

دکتر حسن ابراهیم در کتاب **تاریخ الاسلام** راجع به کتابخانه این وزیر می‌نویسد:

هذا الى ما عرف به الوزير ابن العلقمي من شغفه بالكتب و تقرب العلماء و الأدباء حتى لقد اشتملت مكتبة على عشرة آلاف مجلد عن نفائس الكتب، و اهداه كثير من الشعراء دواوينهم.^۱

یکی دیگر از کتابخانه‌های بسیار معظمی که در حمله مغول به بغداد از بین رفت، کتابخانه خلفای عباسی در بغداد بوده است. این کتابخانه، کتاب‌های بسیار ارزشمندی داشته که در طول خلافت خلفای عباسی گردآوری شده، و در این حمله نابرابر، این کتابخانه بزرگ نابود و منهدم شده است.

قلقشندی (متوفای ۸۲۱ هجری) در کتاب **صبح الأعشى**، راجع به مهم‌ترین کتابخانه بزرگ اسلامی، می‌نویسد:

احداها: خزانة الخلفاء العباسيين ببغداد، فكان فيها من الكتب ما لا يحصى كثرة و لا يقوم عليه نفاسة، و لم تزل على ذلك الى أن دهمت التتر ببغداد، و قتل ملكهم هولاءكو المستعصم آخر خلفائهم ببغداد، فذهبت خزانة الكتب فيما ذهب، و ذهبت معالمها و أعفيت آثارها.^۲

حمله لشکر ترک به فرماندهی صلاح‌الدین ایوبی به

کشور مصر

انقراض حکومت خلفای فاطمیین به دست او بود. خلفای فاطمیین چندین قرن در کشور مصر زمام حکومت را به دست گرفتند. مذهب آنها اسماعیلی بود (منسوب به اسماعیل فرزند امام جعفر صادق علیه السلام) و خود را از این جهت منسوب به حضرت فاطمه علیها السلام می‌نمودند. تمام این خلفا از نسل اسماعیل و اکثر آنها دانشمند و دانش‌پژوه بودند و در طول دوران حکومت خود بهترین کتابخانه‌ها را فراهم نمودند. این کتابخانه دارای کتاب‌های بسیار نفیس و ارزشمند بود، و مرکز آن در شهر قاهره قرار داشت. این کتابخانه چهل مخزن کتب خطی و تنها دو هزار نسخه خطی از تاریخ طبری داشته، و کتاب‌های بسیار نفیس به خط ابن مقلة و خطاطان معروف آن زمان در خود جای داده بود. مجموع کتاب‌های این مخازن در حدود یک میلیون و ششصد نسخه خطی بوده و پس از انقراض حکومت خلفای فاطمی، اکثر این نسخ، به دست ترک‌ها غارت و به آتش کشیده شده است. همچنین با خراب شدن سقف مخازن کتابخانه و بارش باران بر روی آنها به تدریج

۱. حسن ابراهیم، **تاریخ الاسلام**، ۱۵۴/۴.

۲. قلقشندی، **صبح الأعشى**، ۵۳۷/۱.

۳. همان جا.

۴. همان جا، ۵۴۹/۳.

۵. مقریزی، **الخطط**، ۴۰۸/۱.

نواحی تشکیل دادند. اما پس از انقراض حکومتشان تمام آن کتابخانه‌ها مورد حمله دشمنان قرار گرفت و از بین رفت. قلقشندی در کتاب *صبح الأعشى* یکی دیگر از کتابخانه‌های بزرگ اسلام را کتابخانه خلفای بنی‌امیه در اندلس شمرده، و می‌نویسد:

و كانت من أجل خزائن الكتب أيضاً، و لم تنزل الي انقراض دولتهم باستيلاء ملوك الطوائف على الأندلس فذهبت كل مذهب.^۱

۲. آشوب‌های داخلی: یکی دیگر از عوامل نابودی کتاب‌ها، آشوب‌های داخلی است که در بلاد اسلامی رخ می‌داد. در این آشوب‌ها که منشأ آن نزاع‌های عقیدتی، گروهی و حزبی بود، بسیاری از کتاب‌ها و کتابخانه‌ها طعمه آتش‌سوزی و نابودی می‌شد. اکثر مورخان علت هجرت شیخ طوسی - قدس سره - را به نجف اشرف و تأسیس حوزه علمیه در آن شهر، آشوب‌های داخلی بغداد ذکر کرده‌اند، که در این آشوب‌ها کتابخانه معظم شیخ طوسی طعمه حریق قرار گرفت.

جناب دانشمند گرامی آقای واعظزاده در مقاله خود، در شرح حال و آثار شیخ طوسی تحت عنوان «آشوب بغداد و هجرت شیخ به نجف» می‌نویسد:

با سیر اجمالی در تاریخ بغداد در نیمه اول قرن پنجم، هنگام اقامت شیخ در آن شهر، شدت اضطراب و آشوب و تخاصم بین گروه‌ها و دستجات مختلف از جمله بین شیعه و اهل سنت و بین طرفداران سلطنت آل بویه و مدافعان دستگاه خلافت آشکار می‌شود، و چنین به نظر می‌رسد که هر قدر زمان پیش می‌رفته، انقلاب و نابسامانی در مرکز خلافت اوج می‌گرفته، تا سرانجام خطر از هر جهت بر شیعه و پیشوای ایشان شیخ طوسی احاطه کرده و این دانشمند خائفاً یترقب راه نجف را پیش گرفته است.

طغرل بیک سلجوقی در سال ۴۴۷ وارد بغداد شد. اما هجرت شیخ مسلماً در سال ۴۴۸ چندی پس از ورود طغرل بیک اتفاق افتاده، لیکن سوختن کتابخانه و کرسی تدریس وی به گفته این جوزی و ابن‌اثیر بعداً در ماه صفر سال ۴۴۹ رخ داده است و یا این که مقارن با هجرت شیخ، خانه او را غارت کرده‌اند. بنا به قول ابن حجر از ابن‌نجار، کتاب‌های شیخ طوسی چند نوبت در ملاءعام در پیش‌خوان مسجد نصر سوخته شده، و شیخ از ترس، خود را در بغداد پنهان می‌کرده، و این گفتار با نقل ابن‌کثیر که سوختن کتابخانه وی را در سال ۴۴۸ مقارن با فرار شیخ دانسته، قابل جمع است، و کیفیت آن چنین بود که دفاتر و کرسی تدریس او را به محله کرخ بردند

و سه پرچم سفید که زائران شیعه در راه زیارت نجف با خود حمل می‌کردند، به آن ضمیمه کرده، آن‌گاه همه را آتش زدند. شاید قسمتی از تألیفات شیخ نیز در آن بین سوخته باشد؛ کما این که در سال ۴۵۰ یا ۴۵۱ محله کرخ و کتابخانه شاپور طعمه حریق گردیده است.^۲

همچنین جناب دانشمند گرامی آقای دوانی در مقاله خود (سیری در زندگی شیخ طوسی)، تحت عنوان «آشفتگی اوضاع بغداد» می‌نویسد:

با کمال تأسف تعصب‌هایی که طی چهارده قرن گذشته اسلامی پیوسته موجب تضعیف قوای مسلمانان بوده است، در آن روز نیز مانع ادامه کار و اقامت شیخ در بغداد گردید. وجود یک دانشمند بزرگ ایرانی و شیعی در مرکز دنیای عرب و تسنن برای گروهی از مردم حسودکم رشد قابل تحمل نبود، بخصوص که دیگر نه شیخ مفید عرب نژاد و نه سید مرتضی علوی - که هر دو از مردم بغداد و عرب اصیل و بومی بودند - وجود نداشتند که بتوانند از تعرض بدخواهان به شیخ و پیشامدهای سوء نسبت به شیعیان جلوگیری نمایند و یا دست به شکایت و تظلم بردارند. به طوری که در تواریخ مشهور و معتبر اهل تسنن مانند *المتنظم ابن جوزی* (۵۹۷) و *الکامل ابن اثیر* (۶۳۰) و *البدایة والنهایة ابن کثیر شامی* (۷۷۴) و *لسان المیزان ابن حجر عسقلانی* (۸۵۲) نوشته‌اند از همان سال ورود شیخ طوسی به بغداد (۴۰۸) تا سال ۴۴۸ که ناگزیر شد بغداد را ترک گوید، حوادث شومی برای شیعیان محله کرخ روی داد که تأثیر عمیقی در اوضاع شیعه و سرنوشت شیخ طوسی داشت. این حوادث بیشتر در ایام محرم و صفر که شیعیان مشغول عزاداری برای شهیدان کربلا و تجلیل از مقام جانبازی سالار شهیدان حضرت امام حسین علیه السلام بودند، به وقوع می‌پیوست.

سپس با یاد نمودن بعضی از آشوب‌هایی که در این سال‌ها در بغداد رخ داد، می‌نویسد:

در ماه صفر سال ۴۴۹ چند بار کتاب‌های شیخ الطائفه را آوردند جلو مسجد نصر و در ملاءعام آتش زدند و شیخ نیز چند نوبت پنهان گردید.^۳ چگونه سوزاندن کتب شیخ و فرار وی و غارت خانه‌اش بدین

۱. قلقشندی، *صبح الأعشى*، ۵۳۷/۱.

۲. کتاب *هزاره شیخ طوسی*، ص ۶۲-۶۳.

۳. ابن حجر، *لسان المیزان*، ۱۳۵/۵.

بدون شک در ایران ساسانی آثار علمی و ادبی، کمابیش، بوده است؛ بسیاری از آنها در دوره اسلامی به عربی ترجمه شد و باقی ماند، و بدون شک بسیاری از آن آثار علمی و ادبی از بین رفته است؛ ولی نه به علت کتابسوزی یا حادثه‌ای از این قبیل، بلکه به این علت طبیعی و عادی که هرگاه تحوّل در فکر و اندیشه مردم پدید آید و فرهنگی به فرهنگ دیگر هجوم آورد و افکار و اذهان را متوجه خود سازد، فرهنگ کهن به نحو گسترده و زیانباری مورد بی‌مهری و بی‌توجهی واقع می‌گردد و آثار علمی و ادبی متعلق به آن فرهنگ در اثر بی‌توجهی و بی‌علاقگی مردم تدریجاً از بین می‌رود. نمونه این را امروز در هجوم فرهنگ غربی به فرهنگ اسلامی می‌بینیم. فرهنگ غربی میان مردم ایران مد شده و فرهنگ اسلامی از مد افتاده است. به همین دلیل در حفظ و نگهداری آنها اهتمام نمی‌شود، نسخه‌های باارزشی در علوم طبیعی، ریاضی، ادبی، فلسفی، دینی در کتابخانه‌های خصوصی تا چند سال پیش موجود بوده و اکنون معلوم نیست چه شده و کجاست؟ قاعدتاً در دکان بقالی مورد استفاده قرار گرفته و یا به تاراج باد سپرده شده است. مطابق نقل استاد جلال‌الدین همائی نسخه‌های نفیسی از کتب خطی که مرحوم علامه مجلسی - قدس سره - به حکم امکاناتی که در زمان خود داشت از اطراف و اکناف جهان اسلامی در کتابخانه شخصی خود گردآورده بود، در چند سال پیش در ترازو و کش و من به مردم فروخته شد.

علی‌القاعده هنگام فتح ایران کتاب‌هایی که بعضی از آنها نفیس بوده در کتابخانه‌های خصوصی افراد وجود داشته است، و شاید تا دو سه قرن بعد از فتح ایران هم نگهداری می‌شده است؛ ولی بعد از فتح ایران و اسلام ایرانیان و رواج خط و زبان عربی و فراموش شدن خط و زبان پهلوی که آن کتاب‌ها به آن خط و آن زبان بوده است، آن کتاب‌ها برای اکثریت قریب به اتفاق مردم بلااستفاده بوده و تدریجاً از بین رفته است.^۴

۴. وارثان بی‌معرفت: یکی دیگر از عوامل از بین رفتن کتاب‌ها به وراثت رسیدن کتاب‌ها به وارثی بی‌معرفت و قدرشناس است. چه بسیار اشخاص و دانشمندانی که در طول تاریخ، کتاب دوست و اهل

قرار بوده است که: در حمله به محله کرخ، خانه شیخ نیز که رئیس شیعیان بود، مورد حمله قرار گرفت. چون دسترسی به وی پیدا نکردند، کلیه موجودی خانه‌اش را غارت نمودند، سپس کتاب‌ها و کرسی تدریس او را به محله کرخ آورده و سه پرچم سفید را که در قدیم، شیعیان هنگام زیارت مولای متقیان با خود حمل می‌کردند، روی آنها نهاده و همه را طعمه حریق ساختند.^۱ سپس با ذکر هجرت شیخ می‌نویسد:

حمله عمومی به محله کرخ از سرگرفته شد، بسیاری از خانه‌ها و اماکن به تاراج رفت و دود آتش از هر سوی کرخ برخاست. کتابخانه شاهپوربن اردشیر (وزیر بهاءالدوله پسر عضدالدوله دیلمی) که مردی دانشمند و دانش دوست بود، و در تشییع قدمی راسخ و نیتی خالص داشت، طعمه حریق گردید.

شاهپوربن اردشیر این کتابخانه را در سال ۳۸۱ هجری در محله کرخ به منظور استفاده دانشمندان و افراد باسواد شیعه تأسیس کرد، و از نفیس‌ترین کتابخانه‌های آن روز بود. این کتابخانه دارای ده هزار و چهارصد جلد کتاب نفیس و بی‌نظیر بود که به امر آن وزیر هوشمند و باایمان، از روی کتاب‌های ایران و روم و چین و هند و عراق استنساخ کرده بودند؛ و بسیاری از آنها نیز به خط مؤلفان بود. حتی یکصد جلد قرآن نفیس به خط اولاد ابن مقله، خوشنویس معروف عرب، داشت که از هر جهت بر مزیت و نفاست کتابخانه مزبور می‌افزود.^۲

مخالفتان، اغلب این کتاب‌ها را آتش زدند. قسمتی را مردم و قسمتی را عمیدالملک وزیر به غارت بردند و جامعه اسلامی را از داشتن این گنجینه نفیس و بی‌نظیر محروم ساختند.^۳

علامه کبیر مرحوم آقا بزرگ طهرانی در رساله «حیة الشیخ الطوسی» که در مقدمه کتاب تبیان شیخ چاپ شده، بخشی از این جریانات را با ذکر مأخذ، یادآور شده است.

۳. سهل‌انگاری در حفظ کتاب: یکی دیگر از عوامل نابودی کتاب، سهل‌انگاری مجامع علمی و فرهنگی از میراث ارزشمند خود است. اگر امروزه ما از بسیاری آثار نفیس و گران‌بهای خود محروم شده‌ایم، نتیجه سهل‌انگاری پیشینیان و اهتمام نوزیدن آنها در حفظ این میراث است. و سبب این سهل‌انگاری عمدتاً تغییر روش تألیف و تصنیف در هر زمان از لحاظ شیوه خط و چاپ و کیفیت تحریر و انشاء بوده و به این اسباب و غیر آن، این آثار به تدریج، کهنه و فرسوده شده و از بین رفته است.

مرحوم شهید مطهری، در کتاب کتابسوزی ایران و مصر تحت عنوان «سهل‌انگاری ایرانیان در حفظ آثار پیش از اسلام» می‌نویسد:

۱. ابن جوزی، المنتظم، ۱۷۹/۸
 ۲. ابن اثیر، الکامل، ۸۸/۸
 ۳. کتاب هزاره شیخ طوسی، ص ۱۴ - ۱۸؛ یادنامه شیخ الطائفه، ص ۱۹۸ - ۲۰۲
 ۴. شهید مطهری، کتابسوزی ایران و مصر، ص ۱۵ - ۱۷.

کتاب و کتابخانه بوده‌اند و سعی فراوان در تحصیل بهترین نفایس خطی نموده‌اند و در طول عمر خود، کتابخانه شخصی معظمی تشکیل داده‌اند و چه بسا این کتابخانه در طول سال‌های درازی در یک خاندان کاملاً مذهبی و روحانی و علاقه‌مند به کتاب نگهداری می‌شده، تا در نتیجه این کتاب‌ها به وارثان ناآگاه و بیگانه با کتاب رسیده، و آنان در مقام از بین بردن این کتابخانه عظیم برآمده‌اند. چنان‌که از چندین ثقه و مورد اعتماد شنیدم که کتابخانه شخصی عظیم مرحوم علامه مجلسی - قدس سره - تا شصت سال پیش دست نخورده محفوظ بوده و سپس به وسیله وارثی بی‌معرفت از بین رفته است. بعضی از این وارثان با این کتاب‌ها معامله متاع نموده و دلالتان فرصت طلب با قیمت‌های ناچیز این کتابخانه را خریده و خدا عالم است پس از خرید این کتاب‌ها چه بلایی بر سر آن آورده‌اند. و امروز مشاهده می‌شود در گوشه و کنار کشور ایران بعضی از این دلالتان خدانشناس، بهترین نفایس خطی را به صورت متاع عتیقه به خارج برده، با قیمت‌های زیادی در آن جا به فروش می‌رسانند.

بعضی از وارثان نیز از روی ناآگاهی و بی‌معرفتی با این آثار معامله کاغذی نموده که نام خداوند متعال و انبیاء علیهم‌السلام در آن موجود است، و برای احترام نام خدا و انبیا و ائمه اطهار در نهرها و چاه‌ها افکنده‌اند، و این مورد در طول تاریخ بسیار اتفاق افتاده است. یکی از بستگان بسیار نزدیک برای این جانب نقل می‌کرد: «در ایام جوانی در یکی از کوچه‌های شهر نجف اشرف می‌گشتم که ناگاه دیدم در خانه یکی از شخصیت‌های علمی نجف که به تازگی از دنیا رحلت کرده بود، باز شد و پیرزنی نمایان شد و چشمش به من افتاد و مراقبم داد که دو گونی بزرگ کتاب دارم که نام خدا و پیغمبر و ائمه علیهم‌السلام در آن است؛ و این مبلغ را بگیر و این دو گونی کتاب را به رودخانه شط فرات که در یک فرسخی نجف می‌گذرد بینداز. و من ناآگاهانه این عمل را انجام دادم، و خدا می‌داند که چه آثار ارزنده‌ای در این دو گونی بوده است.» برخی از وارثان نیز از روی کوته‌نظری و فکرهای ناپسند و پست از ارثه دادن هرگونه آثار خطی که چه بسا اکثر آنها وقف است و می‌بایست مورد استفاده عموم و بالخصوص محققان قرار گیرد، خودداری نموده و در استفاده از آنها بخل می‌ورزند، و نگارنده ده‌ها کتابخانه شخصی معظم که به چنین وارثان بی‌معرفت رسیده، در چندین نقطه ایران سراغ دارم که از هرگونه ارثه این آثار خودداری می‌کنند. یکی از دوستان که از اهالی بحرین است، نقل می‌کرد که در بحرین چندین کتابخانه شخصی بسیار نفیس موجود است و از هر گونه ارثه فهرست آثار خطی خود و غیر آن بخل می‌ورزند. و بعضی از آنان چنین تصور می‌کنند که اگر این نسخ خطی مورد استفاده اهل پژوهش و تحقیق قرار گیرد، ارزش مادی کتاب تنزل می‌کند و از

انحصار خارج می‌شود، و این پندار کمال کوته‌نظری است.

۵. حوادث غیر مترقبه: یکی دیگر از عوامل نابودی کتاب، حوادث غیر منتظره از قبیل باران‌های شدید و سیل و زلزله و غیر این‌ها می‌باشد. این حوادث در طول تاریخ واقع شده و با آنها طبعاً بخشی از آثار و کتاب‌ها نابود شده‌است. مرحوم نجاشی در کتاب فهرست خود، علت ارسال اخبار و احادیث ابن ابی عمیر را چنین نقل کرده است: «و نقل شده است که خواهر ابن ابی عمیر در زمان اختفا و حبس برادر خود که چهار سال به طول انجامید، آنها را در جایی نگهداری نمود و در مدت همین زمان کلیه کتاب‌های او از بین رفت. و نقل شده که خواهر ایشان این کتاب‌ها را در غرفه‌ای نگهداری نموده بود و به سبب ریزش باران شدید موسمی و جاری شدن آب بر روی آنها، کلیه این کتاب‌ها از بین رفته و از این جهت ابن ابی عمیر از حافظه خود، حدیث نقل می‌کرد.»

یکی از اهل اطلاع نقل می‌کرد که «کتابخانه معظم شخصی مرحوم شیخ طریحی مؤلف کتاب مجمع البحرین و منتخب و... پس از وفاتش در زیرزمین خانه ایشان نگهداری می‌شده است. به سبب جاری شدن سیل در شهر و سرایت آن به زیرزمین خانه ایشان، اکثر کتاب‌ها را آب فرا گرفته و به این سبب بخش مهم آن کتاب‌ها از بین رفته است. و چون کشور پهناور ایران روی خط زلزله قرار گرفته، چه بسا در طول تاریخ زلزله‌های فراوانی واقع شده و بخشی از این آثار و کتاب‌ها بدین سبب از بین رفته است.»

در ازمنه گذشته نیز چنین مرسوم بوده که کتاب‌های خطی را در صندوق‌های چوبی نگهداری می‌نمودند، و چه بسا این صندوق‌ها مورد حمله موربانه‌ها قرار می‌گرفته و با نفوذ به داخل صندوق‌ها آثار موجود در آن آسیب دیده و بدین سبب با گذشت زمان و عدم اطلاع بر آن، بخش مهمی از کتاب‌ها از بین رفته است. در زمان حاضر کتاب‌های فراوانی موجود است که اکثر آنها را موربانه خورده و صفحات آن از بین رفته است.

از این قبیل بلاها و حوادث در طول تاریخ زیاد واقع می‌شده و به سبب سهل‌انگاری و عوامل دیگر این آثار دامنگیر این حوادث غیر مترقبه می‌شده و از بین می‌رفته است.

۶. غرض ورزی‌ها: یکی دیگر از عوامل نابودی کتاب، اعمال غرض ورزی‌های شخصی یا گروهی و حزبی بوده است. در طول تاریخ اسلام، علما و مجتهدان شیعه، مرجع رتق و فتق امور بوده‌اند. در هر شهر و روستایی، عالمی و مجتهدی بوده که محل رفع مشکلات اجتماعی و برطرف شدن نزاع‌های شخصی و گروهی بوده است. همچنین رسمیت معاملات املاک و غیر آن به مهر ایشان بوده است. نیز محل نگهداری اسناد و مدارک بوده‌اند. لذا طبعاً در بعضی احیان

کتاب‌ها اقدام به فروش آنها می‌نمایند. آنان در مرحله اول، اقدام به معرفی و ارائه این کتاب‌ها به مراکز خرید به ویژه کتابخانه‌های معظم می‌نمایند. چون نظر مادی صرف دارند، هر کس بهای بیشتری برای کتاب‌ها پرداخت نماید، کتاب‌ها را در اختیار وی می‌گذارند. متأسفانه بعضی از کتابخانه‌ها با نداشتن بودجه کافی، امکان خرید این کتاب‌ها را ندارند و دلالتان فرصت طلب با سوء استفاده از این فرصت، اقدام به خرید این کتاب‌ها می‌کنند. لذا اگر این کتابخانه‌ها مورد حمایت مالی قرار گیرند و بودجه‌ای ویژه برای خرید این آثار در اختیار آنها قرار گیرد، می‌توانند سهم به سزایی در حفظ این آثار ایفا نمایند. اخیراً ناظر بودیم که کتابخانه بسیار ارزشمند عالم بزرگوار مرحوم سید مصطفی خوانساری در قم با مبلغی بسیار مناسب به حال ورثه ایشان به وسیله رهبر معظم انقلاب خریداری شد و به کتابخانه آستان قدس رضوی انتقال یافت. این شیوه بهترین شیوه در حفظ میراث فرهنگی است. امیدواریم این عمل خداپسندانه تعقیب گردد و این آثار ارزشمند از وارثان خریداری شده و به کتابخانه‌های رسمی و معتبر کشور انتقال داده شود.

۲. تکثیر نسخ خطی

یکی دیگر از عوامل بازدارنده از نابودی کتاب، تکثیر نسخ خطی ارزشمند و نفیس کتابخانه‌ها، و گرفتن فیلم و گراور از این کتاب‌هاست؛ که اگر چنانچه خدای ناخواسته آسیبی و آفتی غیر منتظره به کتاب‌های یک کتابخانه وارد شد، نسخه عکسی این نسخ یا فیلم آنها در همان کتابخانه یا کتابخانه دیگر موجود باشد. خوشبختانه این امر در اکثر کتابخانه‌های معظم کشور در حال اجراست.

۳. مجهز شدن کتابخانه‌های عمومی و شخصی به تجهیزات

حفاظتی

خوشبختانه با پیشرفت علم و صنعت در زمان حاضر، ابزارهای فراوانی برای حفظ و ترمیم کتاب اختراع شده است. در بعضی کتابخانه‌های عمومی شاهدیم که بخشی را به این مهم تخصیص داده‌اند. چنانچه آفتی به کتاب وارد آید یا احتیاج به ترمیم داشته باشد، به این بخش منتقل می‌شود؛ در واقع این بخش را باید بیمارستان کتاب نامید. با انتقال کتاب به این بخش، از نابودی آن کاملاً جلوگیری می‌شود. کتابخانه‌های بزرگ، هنگام خرید کتاب برای آفت‌زدایی و جلوگیری از سرایت میکروب موجود در کتاب - که باعث خوردگی کتاب و از بین رفتن آن می‌شود - حتماً می‌بایست در مرحله اول، کتاب را به این بخش انتقال داده و با قرنطینه کردن آن از سرایت آسیب به کتاب‌های دیگر جلوگیری نمایند. همچنین بسیار مناسب است مرکزی از طرف وزارت فرهنگ در این رابطه تشکیل گردد تا کسانی که کتب خطی دارند با انتقال کتابشان به این مراکز و پس از اصلاح آن، کتاب به ایشان عودت داده شود.

این بزرگان، محلّ غرض‌ورزی‌های اشخاص و گروه‌ها قرار می‌گرفته، و در پنهان و خفاء دشمنی ایشان را به دل می‌گرفتند. و چه بسا بعضی از این بزرگان مورد حمله ناجوانمردانه دشمنان قرار می‌گرفتند و به درجه شهادت می‌رسیدند؛ همچون مرحوم شهید ثالث. امثال این بزرگان در طول تاریخ فراوان بوده‌اند. در مواردی، خانه بعضی از این بزرگان مورد حمله قرار می‌گرفت و در این حمله‌ها متاع و اثاث خانه غارت می‌شد. بعضی از بزرگان به علت داشتن اسناد و مدارک اشخاص در میان کتابخانه خود، کتابخانه ایشان مورد حمله قرار می‌گرفت، و با آتش زدن کتابخانه کلیه آثار موجود در آن از بین رفت. در این جا می‌توان یکی از فاجعه‌های بسیار دردناک تاریخ را ذکر کرد، و آن آتش زدن کتابخانه بسیار نفیس و معظم خاندان مرحوم آقا محمد علی کرمانشاهی به دست عوامل اشراک منطبقه کرمانشاه است. مرحوم آقا محمد علی در زمان حیات پدر خویش مرحوم آقا محمد باقر بهبهانی مجدّد قرن سیزدهم به منطقه کرمانشاه هجرت نمودند و یکی از چهره‌های بسیار درخشنده آن منطقه بودند که رتق و فتق امور مردم آن منطقه به دست ایشان انجام می‌گرفت. وی علم مخالفت و مبارزه با تصوف را برافراشت و توانست با همت والای خویش، ریشه این مذهب ساختگی را از آن منطقه، بلکه از کل کشور ایران، برچیند. ایشان در زمان خود یکی از مراجع تقلید و دارای کتابخانه شخصی معظمی بود. پس از رحلت ایشان، این کتابخانه در میان اعقاب ایشان در کرمانشاه نسل در نسل که همگی از علما و مجتهدان بودند، باقی ماند. تا آن‌که در حدود هفتاد سال پیش این کتابخانه، مورد هجوم عوامل اشراک منطقه و دشمنان این خاندان قرار گرفت و تمام کتابخانه طعمه حریق گردید و نود درصد کتاب‌های موجود در آن از بین رفت. در حدود دو سال پیش به همت یکی از نوادگان این خاندان، این آثار سوخته از زیر خروارها خاک خارج شده و به شهر قم انتقال داده شد. این جانب ناظر ورود این آثار سوخته و بررسی آنها بودم. در میان این آثار سوخته، کتاب‌های منحصر به فرد از آثار این خاندان، فراوان به چشم می‌خورد. همچنین کتاب‌های فراوانی به خطوط علما و بزرگان در آن مشاهده می‌شد، که مع‌الأسف جز اندکی از آن آثار، بقیه قابل استفاده نمی‌باشد. عکس‌ها و فیلم‌های فراوانی نیز از این آثار سوخته شده برداشته شده است.

بخش سوم

عوامل بازدارنده از انهدام کتاب‌ها

۱. سعی بلیغ در جمع آوری کلیه کتاب‌های خطی در کتابخانه‌های معتبر و رسمی کشور و تقویت بودجه مالی این کتابخانه‌ها آنچه قابل توجه است آن‌که بعضی از وارثان پس از حیات

۴. فهرست برداری از کلیه آثار علمای شیعه

از عوامل بازدارنده از نابودی کتاب، فهرست برداری از آثار خطی موجود در کتابخانه‌های عمومی و خصوصی می‌باشد. چه بسا در این فهرست برداری، آثار بسیار ارزشمند و والا و در لابه‌لای کتابخانه‌های خصوصی پیدا شود و با فیلم و عکس برداشتن از این آثار ارزشمند از نابودی آنها جلوگیری شود. این امر از قدرت یک یا دو گروه خارج است؛ بلکه به تشکیلات بسیار وسیع و همچنین امکانات مالی و نیروهای فعال و کتاب‌شناس نیاز دارد. نیز برای اجرای این امر، برنامه‌های بسیار مناسب لازم است. در مرحله اول اعلان رسمی شود که چنین برنامه‌ای در دست کار است و در مراحل بعد از کلیه صاحبان کتابخانه‌های عمومی و خصوصی درخواست شود که صورت فهرست آثار خطی موجود در آن کتابخانه را به این ستاد معرفی نمایند. در ضمن مورد تشویق و تقدیر قرار گیرند. پس از جمع‌آوری به صورت یک کتاب مستقل با معرفی خصوصیات کتاب در چندین مجلد چاپ و منتشر گردد. این امر در حال حاضر به صورت ناقص در دست اجراست و با تکمیل آن، راه‌گشایی بسیار مناسب برای محققان و پژوهشگران خواهد بود.

۵. ایجاد مخازن مطمئن و مقاوم در مقابل حوادث

راهی دیگر برای جلوگیری از نابودی کتاب آن است که کتابخانه‌های عمومی کشور دارای مخازن بسیار مطمئن و مقاوم باشند؛ که اگر چنانچه ناگاه حادثه‌ای از حوادث روزگار از جنگ و زلزله و غیر آن پیش آید، در مقابل آنها مقاوم و ایمن باشند. چنان که پیشتر گفتیم، اکثر آثار در چنین حوادثی از بین رفته است؛ در ایام جنگ تحمیلی اکثر کتابخانه‌های کشور بالخصوص تهران و قم، ناامن و مورد تهاجم دشمن بود و خدای ناخواسته اگر یکی از این کتابخانه‌ها مورد حمله هوایی قرار می‌گرفت، خدا عالم است که چه بر سر کتاب‌ها می‌آمد. امروز خوشبختانه با توجه به این حوادث غیر منتظره، کتابخانه‌های معظم کشور، مخازن کتاب‌های خود را در مقابل چنین حوادثی مسلح و ایمن می‌نمایند.

۶. احیای فرهنگ کتابخوانی و کتابداری

از عوامل بسیار مؤثر در حفظ آثار و میراث فرهنگی، احیای فرهنگ کتابخوانی در میان اقشار مختلف جامعه، به ویژه در میان اهل علم و دانش، و تشویق و ترغیب در حفظ و نگهداری این میراث ارزشمند است. چنان که گذشت، یکی از عوامل مهم نابودی کتاب، رسیدن این میراث فرهنگی به وارثان ناآگاه و بی‌معرفت نسبت به کتاب و کتابداری بوده است و اگر چنانچه امروز بخشی از این آثار گرانسنگ در میان ما مانده است، به برکت وجود افراد کتابخوان و کتابدار بوده است.

۷. تحقیق و نشر آثار

از عوامل بسیار مؤثر و مهم و ارزشمند در جلوگیری از نابودی کتاب، تحقیق و چاپ و نشر آثار خطی و چاپ نشده است. همان گونه که خوانندگان عزیز مستحضر هستند، در طول چهارده قرن از مبدأ وجود اسلام تا زمان حاضر، علما و دانشمندان فراوانی وجود داشته‌اند و منتهای افکار و اندیشه‌های خود را در قالب چندین مجلد کتاب در علوم مختلف به یادگار گذاشته‌اند. این کتاب‌ها و آثار، نتیجه یک عمر تلاش علمی و تجربی می‌باشند، و در واقع می‌توان گفت: مخازن کتابخانه‌ها مخزن افکار و اندیشه‌های مردان تاریخند. در زمان‌های سابق با نبودن دستگاه صنعت چاپ و نشر، کتاب‌ها به صورت استنساخ تکثیر می‌شده است و چه بسا از یک نسخه دهها نسخه دیگر استنساخ و تکثیر می‌شده است، و بخشی دیگر از آثار - با کمال ارزشی که داشت - به صورت استنساخ اصلی که به خط مؤلف باشد باقی می‌ماند. و چه بسا به مرور زمان گرفتار آفت‌های کتاب شده و از بین می‌رفت. خوشبختانه با اختراع صنعت چاپ در دو سده اخیر، مقداری از آثار، چاپ و نشر گردید. آنچه فعلاً چاپ و نشر گردیده، از نابودی و تلف مصون مانده؛ اما بقیه آثار در معرض نابودی است. از این روی بسیار مناسب است که مؤسسات فرهنگی و کتابخانه‌های عمومی و معتبر کشور هر کدام به سهم خود در نشر این آثار کوشا باشند. امروز با ملاحظه فهرست کتب خطی بعضی کتابخانه‌ها مشاهده می‌کنیم که در حدود هفتاد درصد آثار موجود در آن کتابخانه‌ها هنوز به صورت خطی باقی مانده و آماده چاپ نگشته است. درست است که امروز جای این کتاب‌های خطی مصون و محفوظ است، اما چه خبر از حوادث فردا داریم. همین فکرها و گمان‌ها بوده که در طول تاریخ اکثر میراث ارزشمند شیعه از بین رفته است و امروز یک کتاب از کتاب‌های موجود در کتابخانه‌های شیخ مفید و سید مرتضی و شیخ طوسی و سید ابن طاووس و غیر آن در دست ما نمی‌باشد با آن که در زمان خود، محل این کتاب‌ها در ظاهر بسیار امن و مناسب بوده است، اما حوادث ناخوانده این آثار ارزشمند را نابود کرد. امروز احساس وظیفه شرعی می‌شود که هر کتابخانه و مؤسسه تحقیقاتی در این راستا کوشا باشد و با تسهیلاتی که از طرف دولت و کتابخانه‌ها در ارائه خدمات تحقیق داده می‌شود، بتواند در حد امکان، بخشی از این آثار را تحقیق و چاپ و نشر کرد. از خداوند متعال خواستارم تا در این راستا ما را موفق گرداند.